

نقش والدین در تربیت فرزند و چگونگی اداره خانواده و نتایج آثار آن در مدرسه

مؤلف:

عین اله متاجی نیموری

کرم متاجی نیموری

فاطمه متاجی نیموری

سرشناسه: متاجی نیموری، عین اله، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: نقش والدین در تربیت فرزند و چگونگی اداره خانواده و نتایج آثار آن در مدرسه/ مولفین عین اله

متاجی نیموری، کرم متاجی نیموری، فاطمه متاجی نیموری.

مشخصات نشر: تهران، اندیشان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۱۰-۱۸-۵

بسیعیت فهرست نویسی: قیبا

رצוע: والدین و کودک

شناسه افزوده: متاجی نیموری، کرم، ۱۳۵۶ -

شناسه زوده: متاجی نیموری، فاطمه، ۱۳۶۱ -

رده بندی: HQ۷۵۵/۸۵/م۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیوبند: ۳۶۰

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۵۵۱



انتشارات اندیشان



نقش والدین در تربیت فرزند و چگونگی اداره

خانواده و نتایج آثار آن در مدرسه

عین اله متاجی نیموری - کرم متاجی نیموری، فاطمه متاجی نیموری

ناظر فنی: صدیقه طلایی

صفحه آرا: معین دلاوری

مدیر هنری: علی عشقی

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر است.

آدرس: تهران - میدان انقلاب اسلامی - خیابان کارگر شمالی بالاتر از نصرت - پلاک ۱۱۵۰

تلفن: ۶۶۵۶۹۸۹۱ و ۶۶۹۳۱۶۶۹ دورنگار: ۸۹۷۸۴۵۵۸

وب سایت: www.hamyari.co

فهرست

۸	پیشگفتار.....
۱۰	مقدمه.....
۱۷	سینه.....
۱۷	تأثیر پذیرش کودک از خانواده.....
۲۹	انواع خانواده از نظر تربیت.....
۴۱	خانواده آشفته عامل بزهکاری..... خلل روح و روانی کودکان.....
۵۱	خانواده آشفته.....
۵۱	خانواده سالم یا بالند.....
۵۱	اسلام و جایگاه فرزند در خانواده.....
۵۶	وظایف متقابل زوجین در تربیت اولاد قبل از تولد فرزندان.....
۶۵	وظایف متقابل پدر و مادر بعد از تولد فرزند.....
۷۴	عشق و محبت به کودکان.....
۱۰۲	نقش والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان.....

چند نکته‌ی مهم برای موفقیت تحصیلی ۱۰۶

رفتار دانش‌آموز در مدرسه ۱۱۱

نتیجه‌گیری ۱۱۲

شهادت ۱۱۳

منابع و مآخذ ۱۱۵

www.ketab.ir

پیشگفتار

نخستین نهاد اجتماعی، خانواده است که فرد در آن پا به عرصه زندگی می‌گذارد و اولین پایه‌های تربیت و تعلیم در آن گذارده می‌شود. وجود محبت و عاطفه در خانواده رمز سعادت و خوشبختی انسان‌هاست و کلید بسیاری از مشکلات و راه جلب احترام و رعایت حقوق دیگران است. عاطفه، عشق و محبت به فرزندان می‌تواند اراده متزلزل و روح آشفته آنان را درمان کند و آنان را به زندگی سالم و موفق امیدوار سازد. لذا برای تربیت و پرورش درست فرزندان، باید حیل‌های ایجاد کرد که در آن درگیری و اختلافی نباشد. محبت و صداقت، ایمان و عشق به خوبی‌ها، صمیمیت، وحدت و اتحاد می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات باشد. بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت، روانشناسان، جامعه‌شناسان و ... بشا بسیاری از مشکلات رفتاری اجتماعی دانش‌آموزان را در مدرسه ناشی از رفتارهای موجود در خانه می‌دانند. روابط نادرست عاطفی پدر و مادر، ناسازگاری بین اعضای خانواده، افراط و تفریط در مراقبت، عدم توجه و نظارت بر دوستان و معارفان فرزندان از مسائل مهمی هستند که نقش اساسی در شکست تحصیلی آنان دارد. بسیاری از مسائل اقتصادی ناشی از عدم موفقیت در تحصیل و پیامدهای اجتماعی حاصل آن، گرایش به بزهکاری اجتماعی و ارتکاب جرم و جنایت از قبیل: سرقت، قتل، اعتیاد و عضویت در باندهای فساد، قاچاق و ... می‌باشد لذا توجه به نهاد خانواده امری بسیار مهم و سرنوشت ساز در تحصیل افراد و در جهت تضمین سلامت جامعه است.

خانواده کانون انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی، خانواده بعنوان الگوی کودک نقش مهمی را ایفا می‌کند، انواع خانواده از نظر تربیت، اسلام و جایگاه فرزند در خانواده، وظایف متقابل زوجین در تربیت اولاد قبل و بعد از تولد فرزندان، نکته مهم برای موفقیت تحصیلی، و ارائه راه کارهای مناسب برای فرزند سالم و دانش آموز خوب خواهد پرداخت.

www.ketab.ir

مقدمه

خداوند با پیوند جان‌ها، بوستان زندگی را بارور ساخت و رشته مهر و دلبستگی را با شیرازه زناشویی استوار کرد و گلشن خانواده را به لبخند کودک صفا بخشید و درود فراوان به روان تابناک پیامبر پاک و خاندان گرامی‌اش که پیمان مسیری را با دستور آسمانی استوار فرمود و این پیوند مبارک را وسیله بقای بشر قرار داد.

مرد و زن هر دو خواهان خوشبختی افراد خانواده می‌باشند و برای این خوشبختی بر خانه مجاز آرامی وجود ندارد. بنابراین خانه به تنهایی مملکت مادر و جای نشاط و آسایش پدر و گلستان خوشی و با طراوت برای فرزندان و فضا و میدانی برای شادی آنان می‌شود. جای شگفتی نیست اگر اهمیت فوق العاده‌ای به موضوع خانه و خانواده، روابط زن و شوهر و تربیت فرزندان بدهیم. خانواده این واحد به ظاهر کوچک اجتماعی از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود، در واقع خانواده را باید خشت بنای جامعه دانست و مهد پرورشی فکر و اندیشه و اخلاق تعالی روح انسان به حساب آورد.

خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است هسته اصلی جامعه، مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ است.

در بین تمامی نهادها و سازمان‌ها و تاسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیت بسزایی دارد، رشد و انحطاط هر قوم و ملتی تا حدود زیادی به خانواده مربوط است و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند چنانچه از خانواده سالمی برخوردار نباشد، بدون تردید هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست

که جدای از تاثیر خانواده پدید آمده باشد، خانواده سنگ بنای هر جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی رشد و تعالی یکایک اعضای جامعه نقش بنیادی دارد. تلاش در جهت استحکام خانواده و استوار سازی روابط درون این نظام زمینه را برای سلامت اخلاقی و سعادت عمومی در یک جامعه فراهم می‌کند.

دین مبین اسلام خانواده را از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واحدهای اجتماعی می‌داند به بنای آن بر الفت و همدلی استوار و این بنا محبوب‌ترین بناها در پیشگاه خداوند است. روابط آن بر مودت و رحمت پایه گذاری شده و گرمی کانون خانواده منبوع توحید عمیق اسلام است.

تعالیم اسلامی شخصیت واقعی انسان را مد نظر دارد و نیکبختی و سعادت زوجین را در سایه عقد و پیمان زوجه با در نظر داشتن معیارهای انتخاب همسر تضمین می‌کند.

در عین خواستاری لذت و خوشی، آن زن و مرد روابط آن‌ها را بر مبنای ضابطه اندیشیده ای قرار می‌دهد.

اسلام زندگی خانوادگی را بر مبنای حقوق و مسئولیت قرار می‌دهد و در آن وظیفه هریک از اعضا معلوم و مشخص است در عین آن که گذشت و فداکاری زوجین برای گرمی کانون و استواری آن اصل است. اسلام قائل است که اصلاحات از خانواده‌ها باید شروع شوند و زن و شوهر مسلمان باید بنای حیات اجتماعی را در خانواده پی‌ریزی نمایند.

خانواده نظامی دارد که از سوی خالق بشر، همان‌کس که به همه ریزه کاری‌ها و ظرافت و لطافت حیات او آگاه است و برای بشریت سعادت و

نیک‌بختی می‌خواهد و در کارش اشتباه و لغزش نیست تهیه و تدوین شده است، در نتیجه برای انسان بدبختی و تاسف و تاثیری نخواهد بود و موجبات سکون و آرامش واقعی زوجین از هر سو فراهم است.

از عواملی که در حفظ امنیت خانواده نقشی فوق العاده دارد وجود فرزند است. ادولا حاملگی و تولید مثل نشانه رشد و کمال زوجین است و مرد در این رابطه احساس مردانگی کامل پیدا می‌کند و زن احساس زنانگی کامل وجود فرزند می‌سازد. سرور و خوشی زوجین و موجب گرمی کانون خانواده است. چه بسیار بنهارهایی که بر اثر پیدایش فرزند از بین می‌رود و چه بسیار شادایی‌ها و اشتیاقات زایل می‌شود که بر اثر وجود فرزند پدید می‌آید.

وجود فرزند نشانه ثمره‌دهی زندگی زناشویی است و زن و شوهر این خواسته را از آغاز زندگی داشته‌اند و دل می‌پروراند، پیدایش آن را عامل تکمیل ازدواج و کمال خانواده می‌دانند و به بسیار از بحث‌ها و اظهار نظرهای زوجین که در این رابطه شکل می‌گیرد، در تصمیم‌گیری‌ها و تداوم بقای آن فرزند نقش اساسی دارد. وجود فرزند جلوه‌ای از وحدت و اتحاد است و با این ثمره وجودی ارتباط قوی‌تر می‌شود، هر آنگاه که اندیش جدایی بر یکی از آن‌ها تسلط پیدا کند، دیدار و یاد آینده فرزند نابسامانی او را دور نمای مظلومیت و بی‌پناهی او سبب می‌شود که از آن اندیشه منصرف گردند و با هم بسازند.

بعد از تولد کودک یکی از وظایف اساسی والدین بحث نگهداری و تربیت کودک است، در حقوق ایران مانند حقوق دیگر کشورهای جهان علاوه بر حمایت جسمی کودک به حمایت اخلاقی و روانی وی نیز توجه شده است ماده

۱۱۰۴ ق.م زمینه مقرر می‌دارد: «زوجین باید در تشبید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یک‌دیگر معاضدت نمایند»

در ماده ۱۱۷۸ قانون مذکور مقرر شده است که «ابوین ملکف هستند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنرا ممل بگذارند» برای نیل به این هدف، قانون‌گذار به ابوین اجازه داده است طفل را تنبیه کنند ولی این تنبیه باید در حدود تادیب و برای تربیت اخلاقی و مذهبی و پیشرفت‌های معمولی طفل باشد.^۱

دوران نوزاد و کودکی از مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت انسان است و شاکله اولیه تربیت در نخستین سال‌های زندگی انسان شکل خواهد گرفت، اولین پایگاهی که مریسان در آن قدم می‌گذارد خانواده است و این موضوع اهمیت توجه به خانواده در چندان می‌کند.

حدود پنجاه ماه در ابتدای زندگی، انسان فقط از محیط خانواده و رفتارهای درون آن درس می‌گیرد و در آن تربیت می‌شود یعنی بیش از یک هزار و پانصد روز و آن هم به طور تمام وقت، به عبارت دیگر سی و هشت هزار ساعت، والدین در تمام طول دوران کودکی فرزند و مخصوصاً در این مدت رسالت سنگینی دارند و باید با تمام توان با علم و آگاهی در تربیت فرزند بکوشند.

کودک درس محبت، رحم و شفقت، نیکوکاری، وفاداری، صفا، خلوص، پاکی، راستی، صراحت لهجه، رشادت، شهامت، شجاعت، از خود گذشتگی، فداکاری، ادب، فروتنی، تواضع، عزت نفس، تعاون، سخاوت، احسان، ایثار، عشق

و ... را در نخستین سالهای زندگی خود در دامن پر مهر و محبت پدر و مادر می‌آموزد، کانون خانواده تنها پناه‌گاه و تکیه‌گاه امید اوست.

والدین اولین وسیله انتقال میراث فرهنگی به کودکان خود هستند که مردان و زنان و سازندگان فردای کشورند، رسم‌ها، میثاق‌ها، آداب، تشریفات، مائت، سناسک، اخلاق، قانون و مقررات اجتماعی همه در خانواده از راه تلقین دادن الگوهای صحیح به کودک آموخته می‌شود.

هر چند که از نظر خصائل اخلاقی و استعدادهای گوناگون و کیفیات روانی تا حد زیادی تحت تاثیر گذشتگان خویش است و قانون وراثت در جهاتی بر او حکومت دارد اما این نکته را باید خاطر نشان کرد که هیچ کودکی از مادر، بطور قطعی تبه‌کار بدن انمر آید و هیچ فرزندی هم احترام به قانون را از هنگام ولادت با خود به همراه نمی‌آورد. بدی امر این خانواده است که یکی از این دو راه را به سوی او می‌گشاید.

والدین به عنوان اولین مربی و معلم کودک، در تربیت و چگونگی رفتارهای وی مهمترین نقش را ایفا می‌کنند. و بی توجهی و سهل‌انگاری در این امر عواقب وخیمی را در زندگی کودک بوجود می‌آورد، رفتار کودک، عکس العملی به عوامل محیطی و خصوصا به عملکرد والدینش می‌باشد. رفتار والدین با کودک بر اساس صداقت، دوستی، احترام و پذیرش باشد، کودک احساس امنیت و آرامش می‌کند و از ابتلا به بسیاری نابسامانی‌ها محفوظ می‌ماند از سوی دیگر انتقادهای بیجا و بی مورد و روابط خانوادگی گسسته و نابسامان، کودک را مضطرب و آزردده خاطر می‌سازد و موجبات ابتلاء وی به بسیاری از مشکلات رفتاری را فراهم می‌آورد.

بدران و مادران معلمینی هستند که در مشکلترین مدرسه دنیا برای آدم سازی خدمت می کنند. مدرسه ای که مدیر، معلم و مستخدم آن خودشان هستند و تعطیلات، ارتقا و مقام و حقوق ندارد. مدرسه ای ۲۴ ساعته و ۳۶۵ روزه که حداقل ۱۸ سال برای هر فرد خدمت می کند. علاوه بر این مدرسه ای است که رئیس که با وجود آن مشکلات بسیاری پیش می آید. این سخت ترین، پر اضطراب ترین و پر زحمت ترین کار است و احتیاج به حد اعلای حوصله، گذشت، خوش اخلاقی، کاردانی، علاقه، آگاهی و دانش دارد.

خانواده، اولین مدرسه کودک است که طفل نگرشی نسبت به خود، زندگی و مردم را در آن می آموزد. تعارض، نفاق، ناسازگاری و مشاجره میان پدر و مادر و یا ستیزه جویی و مراغه را از تلاف میان هر دو یا یکی از آنان و کودک، رفتار خشونت آمیز اطرافیان با کودک، عدم تفاهم در میان آنان، آنچنان آثار شوم و زیان بخشی در روان طفل باقی می گذارد که با اعمال شقاوت انگیز خود و بروز مفاسد، کاخ سعادت جامعه خویش را می لرزاند.

اگر خانواده به نحو مؤثری در تربیت نیکو فرزند، خود همت گمارد، موجبی برای بزهکاری و سیه روزی آنان در آینده، نمی بخشد مانند، متاسفانه بسیاری از خانواده ها در پرورش کودک معرفتی نیندوخته اند و یا اگر تحصیلاتی در این زمینه دارند از آن سود نمی جویند و مصداق عالمان بی عمل می باشند. کودکان امروز، آینده فردای جامعه هستند، دنیای پیشرفته، کودکان را جدی می گیرد به آن ها به چشم سرمایه های ارزشمند می نگرد، برای آن ها برنامه های علمی، مدرن، هدفمند طراحی می کند و در انتظار می ماند تا فصل خوشه چینی فرا برسد.

تربیت کودکان که در روزگاران پیشین امری سهل و ساده و طبیعی بوده است در عصر ما بگونه ای فوق العاده دشوار تجلی کرده است، در جوامعی که به مکتب نرفته و یا خط ننوشته بودند، هر پدر و مادری بر حسب اصول ساده و هماهنگ تربیت شده بودند که والدین هر یک از آن دو بدان سان تربیت یافته بودند، مضافاً آن که همسایگان و دیگر اعضای خانواده نیز بر همان مبانی تربیت شده بودند، به این ترتیب شخصیت کودک تحت تأثیر تربیت منظم و متجانس والدین و خانواده و اطرافیان بدون تلاشی فوق العاده خود به خود شکل می‌گرفت و از هر گونه تعارضی مصون بود اما این امر در جامعه دگرگون یافته امروزی غیر ممکن است زیرا کسانی که عهده دار تربیت کودک هستند خود کاملاً منطقی نیستند، به این معنی که مجموعه ای از تناقضات هستند، پدر یا مادر ناسازگار است، این یکی آن دیگری را قبول ندارد و هر یک با اولیای امور، مربیان، ارباب مطبوعات، وسایا، ارتباط جمعی و هنرمندان سینما و دیگر کسان دچار تعارض و کشمکش هستند نوعی ننگی عصر ما صحنه جنگ و ستیز همه با همه و هر کس با خودش است.

اهمیت فوق العاده دوران کودکی و نقش بسیار اساسی والدین در تربیت کودک و نتایج آثار آن در مدرسه و عدم توجه جدی قانون گذار و موقدان به این موضوع و مشکلات متعددی که کودکان در زمینه تربیتی با آن مواجه می‌باشند از انگیزه‌های این جانب جهت تدوین این کتاب بوده است.